

سیدشهاب‌الدین واجدی:

حال عکاسی خبری ایران خیلی وخیم است



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com

rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

اسلامی، با هم با وجود خطر پذیری و شناخت بحران، هر روز بترسد، بهراسد و بلرزد از آسیب‌هایی که می‌بیند، یعنی کتک خوردن و بازخمی شدن، سرقت و خورد شدن دوربین و لنز چند صد میلیونی اش، بلرزد از دستگیری و بازداشت و... بخاطر رسالت کاری و خبری! این می‌شود که عین مشاهداتم! فلان عکاس یا شغلش را عوض می‌کند و مثلاً می‌شود کارمند روابط عمومی فلان سازمان، یا می‌رود به سمت عکاسی تبلیغاتی و آتلیه زدن، یا دوربینش را می‌فروشد و با خودروی هم قیمت دوربینش، راننده تاکسی اینترنتی یا پیک موتوری می‌شود!

من می‌سوزم وقتی این‌ها را می‌شنوم، حیف است واقعا برای جامعه بزرگ خبری کشور، کاش آقایان مسئول بدانند و بفهمند وقتی یک عکاس هنرمند دیده‌بان جامعه و تصویرگر لحظات تاریخی کشور، به خاطر همه آن بی‌توجهی‌ها و ناملامت‌ها، رفته سراغ مشاغل دیگر، فروشنده‌گی، کابینت‌سازی یا رانندگی تاکسی اینترنتی، یعنی امروز ما برای آیندگان کور و مبهم است. مجموع این کلمات را از برخی عکاسان خبری شنیدم: «من تلاش‌هایم را برای عکاسی خبری کردم، اما نگذاشتند! دوربینم در فلان رویداد خبری آسیب دید یا زدندند اما هیچ‌کس حمایت نکرد، بیمه نبودم و دوربینم هم بیمه نبود، امنیت شغلی نداشتم، فلان جا کتکم زدند، چاقو خوردم، بازداشت شدم و... هیچ‌کس حمایت نکرد!» البته هنوز برخی عکاسان در رسانه مانده‌اند، اما آن عکاس هم کمرغبت شده و به جای ثبت هنرمندانه و جسورانه، ترجیح می‌دهد آفتاب بی‌درستی برود در فلان سالن همایش، از چند زاویه چند شات رفع تکلیفی از نماهای باز و بسته و تعدادی پرتره از رخداد، مردم و مسئولین بدون درگیری و بحث با هیچ محافظی بگیرد و گزارش تصویری پوششی منتشر کند و از تولید و خلق اثر جذاب و هنرمندانه خبری نیست و این می‌شود نتیجه‌اش که خروجی تک عکاس خبری و گزارش تصویری یکسال خبرگزاری‌های مطرح کشور، مورد پسند و قبول هیأت داوران جشنواره ملی رسانه‌های ایران نیست و باید با اغماض تعدادی را برگزینند! گلایه‌ام زیاد است، دلسوزانه هم هست، اما حال عکاسی خبری ایران، خیلی بد شایدم و خیم است! می‌ترسم از روزی که حتی حیات نباتی این موجود جذاب هم تمام شود و همگی فاتحه این تن نحیف را بخوانیم.

یا علی و اولادش

افول، پس‌رفت و تنزل جایگاه عکاسی خبری و عکاسان خبری در جامعه، حرف‌ها بسیار است و نیاز به جلسات متعدد و شنیدن نقد و نظرات مختلف عکاسان، دبیران عکس، مدیران رسانه، کارشناسان و مسئولین مطبوعاتی دارد... این جمله را سال‌هاست در کلاس و جلسات به نقل از اساتیدم گفته‌ام که یک عکس به جای هزاران کلمه و متن، تأثیرگذارتر است و بعضاً یک عکس خبری باعث بروز احساسات و عواطف ملت و یا حتی انقلاب در یک کشور و باعث جنجال شده و این یعنی چقدر عکس خبری و عکاسی خبری مهم است و عکاس چه وظیفه و رسالت خطیری دارد و در یک جمله عکاس خبری «دیده‌بان» جامعه است... نیک می‌دانم که بخشی از ضعف عکاسی خبری امروز، بدلیل بی‌توجهی‌های متعدد و برخوردهای ناروا و نادرست جامعه نسبت به این قشر مظلوم و آسیب‌پذیر و بدون امنیت شغلی است! یک دلیل گرانی بی‌حد و حصر تجهیزات عکاسی ناشی از بالا رفتن قیمت ارز و تورم اقتصادی کشور است، یعنی یک عکاس خبری خیلی معمولی، در حال حاضر باید از هزینه‌های زندگی بزند و حداقل هزینه یک خودروی داخلی را برای خرید دوربین حرفه‌ای و دو عدد لنز کاربرد می‌بندد، اگر عکاس خبری حرفه‌ای تر باشد و نیازمند تجهیزات بیشتر، نگاهی کنید به قیمت خودروهای میلیاردی! اما و بعد از گرانی، اتفاقات و حوادث داخلی کشور که نقطه عطف هدف قرار گرفتن امنیت ملی در این چند دهه بوده و هست، خصوصاً فتنه‌های هشتاد و هشت تا این اواخر فتنه هزار چهار صد و یک، که با اشتباه عده معدودی از عکاسان در سیاه‌نمایی یا بزرگ‌نمایی، پل‌های پشت سر سایر عکاسان را تخریب کردند! و متأسفانه عدم حمایت و هدایت درست و صحیح توسط دستگاه‌های مرتبط و عدم توجه مسئولین و مدیران خبرگزاری‌ها و رسانه‌ها از عکاس و حرفه عکاسی خبری و بی‌توجهی به نقش داستان‌گویی، روایتگر حقیقت، پیام‌رسانی و سندیت عکس و نقش مهم و تاریخی آن موجب شده تا دستگاه‌های امنیتی، انتظامی و حاکمیتی نظام نسبت به فضای عکاسان و عکاسی خبری، دایره را روز به روز محدودتر و سخت‌گیرانه‌تر کنند و این چیزی که شاهدیم یعنی عکاسان، ستون پنجم دشمنان نظام هستند و عکاسی خبری یعنی خبرچینی برای دشمن و در کل عکاسی ممنوع! اینکه عکاس مستند خبری کارمند فلان رسانه یا خبرگزاری، حتی آن عکاس انقلابی و مثل این حقیر، علاقه‌مند و پای کار جمهوری

سیدشهاب‌الدین واجدی، عضو گروه داوران بخش عکس بیست و یکمین جشنواره ملی رسانه‌های ایران پس از گذشت چندروز از برگزاری آن درباره وضعیت عکاسی خبری و مستند در ایران با دلیلی پر از درد و حسرت یادداشتی اختصاصی برای مجموعه رسانه‌های صبا را سال کرده است که در ادامه می‌خوانید.
بِسْمِ اللّٰهِ وَهُوَ الْمُمْصِرُ
به نام خالق زیبایی‌ها

یادداشتی نوشتم خیر خواهانه و دلسوزانه برای عکاسی خبری امروز ایران، بماند به یادگار، از جلسه داوران بخش عکس بیست و یکمین جشنواره ملی رسانه‌های ایران! در کنار دوستان خوبم، اساتید و عکاسان خبری با سابقه ایران؛ آقایان حمید فروتن، وحید سالمی، مهدی قاسمی و حسن قائدی؛ با تبریک روز خبرنگار به همکاران رسانه‌ای و ابراز خوشحالی از اینکه بیست و یکمین جشنواره ملی رسانه‌های ایران بعد از حدود یک دهه تعطیلی، دوباره با همت معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد و با تلاش‌های مجاهدانه برادر عزیزم حاج مهدی عرفاتی، روح و جان دوباره‌ای گرفت و بنده نیز عضو گروه داوران بخش عکس آن بودم! در حین و پس از جلسات داوران بخش عکس این جشنواره نکات حائز اهمیتی را که شاهدش بودیم را بیان می‌کنم؛ نخست، با احترام به خیلی از رفقای عکاسم، نمایی از عکس‌های ضعیف آرسالی که حاکی از افول عکاسی خبری و مستند در بین اهالی فتوژورنالیسم کشور بود! دوم، نشان از عدم آگاهی همه عکاسان خبری کشور از برپایی این جشنواره بود، شاید هم برخی با کم‌لطفی در آن شرکت نکردند! سوم، عدم وجود ساز و کار مناسب ارسال عکس خبری در فراخوان و عدم پیش‌بینی داور تخصصی عکس خبری در کنار داوران نهایی بود که قابل اغماض است و آن‌شاءالله سال آینده این نقایص برطرف می‌شود... و اما از افول گفتم، یعنی عکاسی خبری نیمه جان وطن ما ایران! که همچون انسانی است که پس از دهه‌ها تلاش و زندگی موفق، حالا بدلیل بیماری و گسترش سرطان، روی بستر افتاده و حیات نباتی دارد، گهگاهی برای اینکه زخم بستر نگیرد تکانش می‌دهند، گاهی غذای مایعی را با سوزن به او تزریق می‌کنند اما دیگر زنده و سر حال نخواهد شد، با تأسف هر روز که می‌گذرد گوشت‌های بدن این تن نحیف، آب می‌شود و استخوان‌های پیکره فتوژورنالیسم ایران نمایان تر و به مرگ نزدیک‌تر می‌شود! در چرایی



فرهاد قائمیان
وحید رهبانی
مهدی حسینی‌نیا
محید نوروزی
امیر نوروزی
نازنین فراهانی
EXPEDIENCY
توسعه و طراح مطبوعاتی
حسین دارابی
تهیه و تنظیم
محمدرضا شفا
اکران در سینماهای سراسر کشور